

تأسیس شهبندری ترکیه در مشهد و نقش محمد سامی بیگ در اتحاد سه گانه اسلامی ایران، ترکیه و افغانستان*

علی نجف‌زاده^۱ مجتبی خلیفه^۲

چکیده

دولت عثمانی در دوره قاجار حضور سیاسی در مشهد نداشت، ولی از زمان شروع جنگ جهانی اول که موضوع اتحاد جهان اسلام مطرح شد، طرفدارانی در مشهد یافت که ترک‌های قفقازی مهم‌ترین آنها بودند. پس از شکست عثمانی و تشکیل مجلس بزرگ ملی ترک، روابط حکومت جدید با ایران و افغانستان بیشتر شد و مشهد یکی از کانون‌های ارتباط این سه دولت اسلامی بود. با تأسیس کنسولگری افغانستان در اواخر دوره قاجار، ترکیه نیز شهبندری خود را در سال ۱۳۴۱ قمری در مشهد دایر کرد. با ورود محمد سامی بیگ برای برافراشتن «بیرق ماه و ستاره» در مشهد، گام‌های مهمی برای جلب اتحاد جهان اسلامی برداشته شد و اقدامات عملی برای اتحاد ایران، ترکیه و افغانستان صورت گرفت و زمینه‌ای برای اتحاد بیشتر در دوره رضا شاه شد. عملکرد سامی بیگ و واکنش دول روس و انگلیس موضوع دیگری است که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. در این مقاله علل شکل‌گیری شهبندری، عملکرد یازده ماهه سامی بیگ در زمینه‌های مختلف نظیر سخنرانی در حرم امام رضا (ع)، بازدید از مدارس، ملاقات با روزنامه‌نگاران، برگزاری نماز جمعه، برگزاری نماز عید فطر، شرکت در عزاداری‌ها، تشویق و حمایت از مخالفان سیاست انگلیس و رابطه با کنسولگری افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد.
واژگان کلیدی: ترکیه، مشهد، محمد سامی بیگ، شهبندری

The Establishment of Turkish Shahbandari and the Role of Mohammad Sâmi Beig in Islamic Triple Alliance Iran, Turkey and Afghanistan

Ali Najafzadeh³ Mojtaba Khalifeh⁴

Abstract

Ottoman government did not have political presence in Mashhad during Qajar's period but has found some supporters such as Caucasians Turks beginning of the World War I, when the alliance of Islamic world was presented. After the Ottoman's defeated and formation of Turk National Great parliament, the relationship of new government with Iran and Afghanistan increased. So Mashhad was one of the relation centers of these three Islamic governments. By the establishments of Afghanistan's consult in the late Qajar's period, turkey established it's Shahbandari in Mashhad in 1341. The entrance of Mohammad Sami Beig caused important steps in Islamic world alliance for flattering istar and moonj flag. So practical actions were performed for the alliance of Iran, turkey and Afghanistan and the conditions became better for their alliance in Reza shah period. Sami Beig's operation and England and Russia's reaction is another subject that has not been considered yet. In this article, the reasons of Shahbandari's establishment, Sami Beig's operation in different fields such as giving speech in imam Reza's holy shrine, visiting schools, meeting with journalists, holding Friday pray and Fetrs pray, participating in mourning, encouraging and supporting English policies' opponents and the relationship with Afghanistan's consult will be investigated.

Keywords: Turkey, Mashhad, Mohammad Sami Beig, Shahbandari.

مقدمه

مقارن با اواخر دوره قاجار، تحولات دامنهداری در عثمانی روی داد که کمال مصطفی پاشا در رأس آن قرار داشت. از جمله اقدامات وی تقویت دولت ترکیه در شرق جهان اسلام بود. به همین منظور تشکیل کنسولگریهای جدید ترکیه و بستن پیمانهای چندگانه با دولتهای اسلامی در دستور کار آنها قرار گرفت. این نوشتار به بررسی تأسیس شهرداری ترکیه در مشهد می‌پردازد، موضوعی که تاکنون از سوی محققان مورد بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش بر این پرسش استوار است که تأسیس شهرداری ترکیه در مشهد با چه اهدافی صورت گرفت؟ فرضیه تحقیق آن است که احیای قدرت ترکیه تحت لوای اتحاد اسلام در قالب رقابت با دولت انگلستان در شرق ایران مهمترین انگیزه ترکیه در ایجاد شهرداری بود. این پژوهش بر اساس روش تحلیلی در تحقیق تاریخی بر آن است تا ضمن بررسی عوامل شکل‌گیری شهرداری ترکیه در مشهد، کارکرد شیوه‌های آن را برای اعمال برنامه‌ها در راستای اتحاد سه‌گانه اسلامی مورد تحقیق قرار دهد.

ترک‌ها و قفقازی‌ها طرفداران عثمانی در مشهد

مشهد مهم‌ترین شهر شرقی ایران در دوره قاجار بود و تیریزی‌های مقیم مشهد، یک گروه قدرتمند اجتماعی و سیاسی در این شهر محسوب می‌شدند. تیریزی‌ها بازرگانی شهر تسلط داشتند و از دیگر سو، مبادلات بازرگانی با عثمانی نیز در دست آنان بود. همچنین گروه‌های ترک‌تبار در مشهد حضور مؤثری به ویژه در مبادلات داشتند و کنسولگری بریتانیا در مشهد رسماً مسئول حفظ منافع ترک‌های تبعه دولت عثمانی بود.^۵ قفقازی‌های مهاجر نیز گروه قابل توجه و مؤثری در مشهد بودند و در وقایع سیاسی پس از مشروطه نقش مهمی ایفا کردند.^۶ تلگراف رمزی در ۱۹ فوریه ۱۹۱۸ (۷ جمادی‌الاولی ۱۳۳۶) به قفقازی‌های مشهد اشاره کرده که همراه دسته‌ای از سادات رضوی به بهانه نداشتن امنیت در تلگراف‌خانه متحصن شده‌اند. در این تلگراف قفقازی‌ها به دلیل دخالت در امور شهر، شرور نامیده شده‌اند و همین امر بهانه ورود قشون انگلیس به شهر شده است. هم-چنین نویسنده تلگراف خواستار عدم همکاری سادات متحصن با قفقازی‌ها شده است.^۷ سلطان

۵. آنتونی وین، ایران در بازی بزرگ، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: پیکان، ۱۳۸۳)، ص ۲۲۳ و ۱۷۶.

۶. برای آگاهی بیشتر درباره حضور تیریزی‌ها و قفقازی‌ها در مشهد، نک: علی نجف‌زاده، اقوام، طوایف و مهاجرین ساکن مشهد (مشهد: شهرداری مشهد، ۱۳۸۹)، بخش تیریزی‌های مشهد و بخش قفقازی‌های مشهد.

۷. حسین الهی، «اسنادی مربوط به اوضاع خراسان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۲۷، شماره ۱ (بهار

تأسیس شهرداری ترکیه در مشهد و نقش محمد سامی‌بیک در اتحاد سه گانه اسلامی ایران، ترکیه و افغانستان / ۱۳۹

حسین میرزا نیرالدوله، حاکم خراسان، در تلگرافی دیگر از برگزاری مجالس مخفیانه شبانه توسط پنج هزار نفر تبعه ترک قفقازی ساکن مشهد و ایجاد آتش‌سوزی توسط آنها خبر داده است. نیرالدوله ناکارآمدی دویست نفر پلیس در مقابل پنج هزار نفر ترک قفقازی و تبعه خارجی را یادآور شده که باعث دخالت‌های دو کنسول روس و انگلیس در مشهد شدند.^۸ قفقازی‌ها در شمال غربی ایران و شمال عثمانی، فعالیت خود را در «کمیته قفقاز» در راستای حمایت از عثمانی آغاز کردند که تبلیغ به نفع عثمانی را بر عهده داشت و در نقطه مقابل تبلیغات انگلیسی‌ها عمل می‌کرد. آنها توانستند با قفقازی‌های ساکن مشهد ارتباط برقرار کنند. پس از عقب‌نشینی روس‌ها از مشهد به‌خاطر انقلاب روسیه، قوای نظامی انگلیسی وارد این شهر شدند. مالمسون فرمانده هیأت نظامی انگلیسی‌ها در مشهد اقدام تبلیغاتی خود را با انتشار خبرنامه‌هایی درباره جنگ برای خنثی کردن تبلیغات عثمانی، بلشویک‌ها و قفقازی‌های طرفدار عثمانی ادامه داد.^۹ «کمیته قفقاز» نیز پس از سقوط عثمانی و شکست در قفقاز با وجود اوضاع آرام خراسان به انتشار اخباری درباره جنایات بریتانیا در اماکن مقدس مسلمانان در عراق ادامه داد،^{۱۰} تا این که نخستین شهرداری (کنسولگری) در مشهد تأسیس شد. در دوره صفویه، رئیس گمرک را «شهیندر» و گمرک را «در بندر» می‌گفتند،^{۱۱} در این زمان به نماینده کشور دیگر نیز شهیندر (کنسول) اطلاق می‌شد و در واقع شهینداری عثمانی در مشهد، کنسولگری بود.

استقبال از محمد سامی‌بیک نخستین شهیندر مشهد

در سال‌های پایانی جنگ جهانی اول متفقین شرایط سختی را بر عثمانی تحمیل کردند و از مه ۱۹۱۹/۱۷ شعبان ۱۳۳۷ نیروهای یونانی تحت حمایت انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها وارد ازمیر شدند و کمال پاشا قدرت را به‌دست گرفت. انگلیسی‌ها استانبول را تصرف کردند و نیروهای ملی ترک «مجمع بزرگ ملی ترکیه» را در آنکارا به‌وجود آوردند. انگلیسی‌ها از یونانی‌ها در حمله به ازمیر و فتح آنکارا حمایت می‌کردند، ولی ارتش ترک به فرماندهی کمال پاشا آنان را عقب راند. کمال پاشا برای رسیدن به استانبول در حال کشمکش و گفتگو بود.^{۱۲} مجمع بزرگ

۸. بهروز قطبی، اسناد جنگ اول جهانی در ایران (تهران: قرن، ۱۳۷۰)، ص ۱۴۲.

۹. سی. اچ. ایس، دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۱۲۱.

۱۰. همان، ۱۷۲.

۱۱. مجید یکتایی، تاریخ گمرک ایران (تهران: دانش، ۱۳۵۴)، ص ۳۶.

۱۲. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه، ج ۱ (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹)، ص ۶۷ و ۷۱.

ملی ترکیه برای جلب اتحاد مسلمانان علیه متفقین و به ویژه انگلیس، دست به تلاش‌های تازه زد. از جمله یکی از اقدامات آنان پیشروی سیاسی به مناطق شرقی ایران و افغانستان بود. در این شرایط وضعیت در مشهد به نفع ترک‌ها در حال تغییر بود. به گونه‌ای که در مشهد ضیافت ناهاری به طرفداری از کمال پاشا برگزار شد. در این ضیافت امیر لشکر و ۳۱ نظامی و ۷ غیر نظامی دعوت شده بودند و دسته ارکستر سرود ملی ترکیه را نواخت.^{۱۳} از همان زمان، تالیس شهرداری در مشهد - که از مراکز مهم مذهبی شیعیان و در همجواری با افغانستان بود - یکی از برنامه‌های مهم ترک‌ها شد. خبر تعیین و معرفی محمد سامی بیک و فریدون بیک به عنوان نمایندگان ترک‌ها در خراسان توسط محی‌الدین پاشا سفیر کبیر عثمانی در ایران در اواخر رجب ۱۳۴۱/مارس ۱۹۲۳ منتشر شد.^{۱۴} والی موقت، کارگزار و امیر لشکر خراسان در ۲۰ اسفند ۱۳۰۱^{۱۵} اعلام کردند که سامی بیک شهیندر یا سرکنسول و معاونش فریدون بیک به زودی عازم مشهد می‌شوند و شایسته است از آنان به عنوان نمایندگان دولت اسلامی استقبال شایسته‌ای به عمل آید.^{۱۶} به خاطر توصیه‌های رسمی و وجود هواداران متعدد در موقع ورود نمایندگان ترکیه از سوی اهالی مشهد مراسم استقبال و پذیرایی باشکوهی برگزار شد و تعداد زیادی از بزرگان شهر تا چند فرسخی به استقبال آنها رفته بودند. سپس نمایندگان ترکیه به باغ و مقبره نادری رفته و در آنجا مراسمی از سوی کارکنان اداره معارف و معلمان مدارس و دانش آموزان جهت تبریک ورود آنها برگزار شد. پس از آن سامی بیک نطق موثری به زبان ترکی خطاب به محصلان بیان و زوارزاده^{۱۷} این نطق را به فارسی ترجمه کرد. سپس نمایندگان ترکیه به زیارت آستان قدس رفتند. پس از آن نیز به منزلی (معروف به درب شهیندری) که برایشان در نظر گرفته بودند، رفتند؛ از طرف مردم در ورودی آن خانه طاق نصرت مجلل و باشکوهی بسته شده بود. در طول مسیر فریادهای زنده باد نمایندگان هم‌کیش، پاینده باد اتحاد اسلام از سوی استقبال‌کنندگان در فضای شهر طنین‌انداز شده بود.

۱۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ترجمه غلامحسین میرزا صالح (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۷)، ص ۴۵۵.

۱۴. روزنامه فکر آزاد، س ۱، ش ۶۱ (۲۴ رجب ۱۳۴۱/۲۱ حوت ۱۳۰۱)، ص ۲.

۱۵. ۲۳ رجب ۱۳۴۱/۱۲ مارس ۱۹۲۳

۱۶. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۶۷.

۱۷. اسدالله زوار زاده در روزنامه بهار مقالات انتقادی و سیاسی می‌نوشت. نک: روزنامه بهار، سال ۲، شماره ۵۸ (۲۷ رجب

۱۳۳۷/۸ ثور ۱۲۹۸)، ص ۲ و ۳.

روزنامه فکر آزاد^{۱۸} ضمن تبریک ورود هیأت ترک به مشهد، احساسات اسلامی مردم مشهد را هنگام ورود این نمایندگان شایسته تمجید و غیر قابل وصف توصیف کرد و اظهار امیدواری کرد که این احساسات مقدس که یگانه وسیله اتحاد حقیقی بین مسلمانان است روز به روز شدیدتر شود.^{۱۹} گزارش ترک‌ها نیز تشکیل «باش شهرداری خراسان» را قدمی بزرگ به سوی مشرق دانسته و استقبال و احترام فوق‌العاده مردم مشهد از هیأت ترک را مژده موفقیت آنها در شرق دانسته است.^{۲۰} سامی‌بیک در حضور سرکنسول افغانستان و شماری از بزرگان ایرانی هدف خود را از آمدن به مشهد ترویج اتحاد اسلامی، یعنی تنها عامل رهایی مسلمانان از ستم بیگانگان ذکر کرد.^{۲۱} خراسان و مشهد برای ترکیه از لحاظ سیاسی، جغرافیایی و اجتماعی اهمیت داشت. در جریده‌های ترکیه مانند جریده اقدام چاپ استانبول (۱۳۰۲ ش) به اهمیت تأسیس این شهرداری پرداخته شد. در نظر آنها خراسان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ایالت ایران و تقاطع راه‌های افغانستان، ترکستان و آسیای مرکزی با ترکیه بود که از نظر نظامی و سیاسی اهمیت زیادی داشت. بهبودی به نقل از این روزنامه نوشته است: شهر مشهد مرکز ایالت با صد و پنجاه هزار سکنه هم مرکز مهم آسیای مرکزی و هم بعد از کربلا زیارت‌گاه عالم تشیع است که در هر موقع سال و از هر طرف دنیا برای زیارت امام علی ابن موسی الرضا (ع) هزاران هزار زوار به این شهر روی می‌آورند. اهالی مجاور افغانستان و ترکستان یعنی در شمال تیموری‌ها و هزاره‌ها از نژاد ترک هستند و اکثر ترک‌های خراسانی در خارج شهرها اقامت کرده و در حالت چادرنشینی زیست می‌کنند و مذهب‌شان هم مذهب سنی است.^{۲۲}

سامی‌بیک با عنوان باش شهیدر حکومت «مجلس کبیر ملی ترک» در ۲۱ شعبان ۱۳۴۱ تمام کسانی که از وی استقبال و دیدن کردند تشکر و از اینکه نتوانست از همه آنها بازدید کند عذر خواست.^{۲۳} تحسین‌بیک معاون شهرداری نیز در ۱۸ فروردین ۱۳۰۲ به مشهد وارد و زمینه استقرار

۱۸. فکر آزاد روزنامه‌ای سیاسی، اجتماعی، انتقادی و خبری بود که به صاحب امتیازی احمد دهقان (بهمنیار کرمانی) و مدیریت امیر شهیدی (رفعت التولیه) از ۲۹ خرداد ۱۳۰۱ در مشهد منتشر شد. دهقان در کرمان متولد و متمایل به حزب دموکرات بود که به فارس تبعید و سپس به تهران و بعد به عنوان کارمند اداره انحصار تریاک در سال ۱۲۹۶ ش به مشهد رفت و روزنامه فکر آزاد را منتشر کرد. ستار شهوازی، نام‌ها و نامه‌ها، روایتی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران خراسان در دوران قاجاریه (مشهد: ابرار، ۱۳۸۲)، ص ۱۰۶-۱۰۴.

۱۹. روزنامه فکر آزاد، س ۱، ش ۶۲ (یکشنبه ۲۹ رجب ۱۳۴۱/۲۷ حوت ۱۳۰۱)، ص ۲.

۲۰. هدایت‌الله بهبودی، روزشمار تاریخ معاصر ایران، ج ۳ (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹)، ص ۵۲۰.

۲۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۰.

۲۲. بهبودی، ص ۵۲۰.

۲۳. روزنامه فکر آزاد، س ۱، ش ۶۴ (۲۱ شعبان ۱۳۴۱/۱۸ حمل ۱۳۰۲)، ص ۲.

و افتتاح کنسولگری فراهم شد. فریدون بیگ معاون سامی‌بیک نیز با استفاده از وسیله نقلیه پست، از تهران به سوی مشهد حرکت کرد.^{۲۴}

برافراشتن بیرق هلال و ستاره: سخنرانی سامی‌بیک و ژنرال افغان

سامی‌بیک حدود یک ماه پس از ورود به مشهد زمینه و مقدمات افتتاح کنسولگری را فراهم کرد. عصر روز دوشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۴۱/۲۶ فروردین ۱۳۰۲ / ۱۶ آوریل ۱۹۲۳ «بیرق هلال و ستاره» بالای سردر شهرداری حکومت ترکیه برافراشته شد. این واقعه در تاریخ مشهد به قدری اهمیت داشت که روزنامه فکر آزاد نوشت «عموم اهالی خراسان روز ۲۹ شعبان را یکی از بزرگترین اعیاد تاریخی خود محسوب دارند، زیرا در این روز مبارک پرچم دولت هم کیش ما، پرچی که یادگار مجد و شرافت، شهامت و غیرت، فداکار و جانبازی یک ملت غیرتمند اسلامی است، برای اولین بار در فضای شهر مقدس به اهتزاز درآمده است».^{۲۵} امری که به نوشته این روزنامه ابراز احساسات اسلامی غیر قابل توصیف مردم مشهد را به همراه داشته است. روزنامه مهر منیر^{۲۶} نیز سامی‌بیک را نماینده دولت قوی شوکت جوان ملی ترکیه و آن روز را در تاریخ خراسان از ایام مسعود و مهم اسلامی برشمرده که در «جشنی آراسته در منتهای دبدبه با حضور هزاران نفر از اشراف، اعیان و مسلمانان» پرچم شهرداری برافراشته شده است.^{۲۷}

چهار ساعت مانده به غروب عده‌ای سواره نظام و جوانان که هر یک بیرق ایران در دست داشتند در شهرداری واقع در کوچه ارگ حاضر شدند. سپس سامی‌بیک بیرق ملی ترک را برای تشریف به آستانه بیرون آورد و به همراه ژنرال کنسول افغان، در حالی که زوار و هیأتی سرود ملی ترکیه را ترنم می‌کردند به طرف صحن مقدس رضوی رفتند. همراهان این مراسم ۳۰۰ قزاق و ۲۵ سواره نظام بودند.^{۲۸} با رسیدن بیرق به ورودی صحن مطهر، دربان باشی «آن لوای مجد و شرافت» را از سامی‌بیک گرفت و تا رواق برد. در نزدیک رواق اعتضادالتولیه سرکشیک، آستانه پرچم را گرفت و

۲۴. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۰.

۲۵. روزنامه فکر آزاد، س ۱، ش ۶۶ (۲ رمضان ۱۳۴۲/۲۹ حمل ۱۳۰۲)، ص ۱؛ روزنامه الکمال، س ۳، ش ۳-۲ (۹ ذی‌قعدة ۱۳۴۱/

اوا اسد ۱۳۰۲)، ص ۳۵.

۲۶. مهر منیر روزنامه سیاسی با صاحب امتیازی و مدیر مسئولی محمد اسماعیل منیر مازندرانی از آذر ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۷ ش. به

صورت هفتگی در مشهد منتشر می‌شد. شهوازی، ص ۱۱۱.

۲۷. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۱ (پنجشنبه ۹ رمضان ۱۳۴۱/۷ ثور ۱۳۰۲)، ص ۵.

۲۸. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۶.

به اتفاق سردار عبدالعزیزخان^{۲۹} ژنرال - کنسول دولت افغانستان به حرم برد. وی پرچم را بر گرد ضریح مقدس طواف داد و با مرقد حضرت رضا (ع) متبرک کرد و بیرون آورد. سامی‌بیک در ایوان طلا بیرق را گرفته و در جلو در حرم زانو زد و نطق ذیل را به زبان ترکی بیان کرد:

«ای شهید مظلوم ای امام مسموم برای تعالی و عظمت اسلام این بیرق را که به خون شهدای مسلمین رنگین است به تربت مقدس و مطهر تو سائیده تبرک می‌نمایم و از روحانیت حضرت اعلی مرتبت استمداد می‌کنم که از این ساعت اتحاد از عالم قوه به عالم بروز و شهود قدم گذارده و برادران مظلوم هم کیش ما از اسارت و مذلت نجات یابند.»^{۳۰}

ظاهراً این نطق به قدری با حرارت و هیجان ادا شده بود که عموم حضار با اینکه اغلب به زبان ترکی آشنا نبودند تحت تأثیر قرار گرفته و سخت به هیجان آمده بودند. سپس بیرق با همان تشریفات به شهرداری عودت داده شد. در آن‌جا عموم مدعوین از روسای دوائر دولتی، صاحب منصبان نظامی، معاریف و اعیان، تجار و اصناف، معلمان مدارس و مدیران جراید حضور به هم رسانیده بودند و صحن و اتاق‌های شهرداری پر از مدعوین بود. نطق‌های با حرارت و قصائد غرائی از طرف بعضی ایراد شد و تقریباً دو ساعت به غروب مانده بود که پرچم در میان شادی، فریاد مسرت عمومی، کف زدن‌های حضار، سلام، موزیک نظامی و در حضور انبوه جمعیت حاضر و سرکنسول افغانستان و روسیه برافراشته شد.^{۳۱}

سامی‌بیک پس از برافراشتن بیرق سخنرانی مفصلی راجع به «مجاهدت و فداکاری‌های ملت غیرتمند ترک» و دعوت اتحاد اسلام ایراد کرد که در روزنامه فکر آزاد منتشر شد. وی درباره بیرق ترک‌ها و اهتزاز آن در «فضای پاک فرح‌افزای مشهد مقدس» گفت که یک واقعه جدیدی را در تاریخ عالم ایجاد می‌کند. وی درباره سابقه پرچم ترک‌ها و تشریح فلسفه رنگ‌های پرچم پرداخت و گفت «این رنگ سرخ بیرق رنگ خون ماست، ماه و ستاره را هم که با رنگ سفید در وسط می‌بینید به منزله کفن ماست، یعنی تا زمانی که در رگ‌های یک ترک یک قطره خون و در بدن او یک پیراهن وجود داشته باشد این بیرق در حال اهتزاز باقی خواهد ماند». سامی‌بیک سپس به طور مفصل به اسرار آخرین جنگ و شجاعت ترک‌ها اشاره کرد که در جبهه‌های هزاران فرسنگ دور

۲۹. سردار عبدالعزیزخان پسر ارشد محمد سلیمان‌خان حدود ۴۰ سال سن داشت و مدت ۳ سال فرماندار غور بود و ۲ دسامبر ۱۹۲۲/۱۲ آذر ۱۳۰۱ سرکنسول افغانستان در مشهد شد. نک: فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۴۳.

۳۰. روزنامه فکر آزاد، س ۱، ش ۶۶ (پنج‌شنبه، ۲ رمضان ۱۳۴۱/۲۹ حمل ۱۳۰۲)، ص ۱.

۳۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۶.

از مرکز در طرابلس، فاس، رومانی، سوئیس، یمن، حجاز، عراق و قفقاز به نام «عشق» برای کسب شرافت و حفظ استقلال عاشقانه جانبازی و در تمام جبهه‌ها زیر لوای پرچم با قوای مهمتر و بزرگتر از خود مقابله کرده بودند. هم‌چنین به شکست‌ها و پیروزی‌های تحت فرماندهی مصطفی کمال پاشا و معاهده «سور» که مطابق آن می‌خواستند ممالک عثمانی را تقسیم و زنجیر اسارت بر پای آنها زده و در شمار ممالک مستعمراتی درآورند، اشاره کرد. وی به عملکرد دشمن در تحریک قشون یونان اشاره کرد که در آناتولی پیاده و بر کسی رحم نکردند، اما در جرید اروپا نوشتند ملت ترک پایمال شد و بیرق آن را بر خاک افتاده ترسیم کردند و ماه آن را در حال خسوف نشان دادند. در حالی که ملت ترک نمرده و این بیرق به خاک نیفتاده بود. بر اثر این فجایع در قلوب ترک‌ها آتش انتقام، استقلال و آزادی پدید آمد که اول مصطفی کمال پاشا در قلب خود دید و تمامی دل‌های ترک‌ها را نزد خود مرکزیت داد و کوه آتش‌فشانی تشکیل داد که بر دشمن پیروز شد.

سامی‌بیک به عملکرد انگلیسی‌ها و هم‌پیمانان آنها نیز اشاره کرد که در صلح را بر روی سفرای ترک بستند. اما ترک‌ها به پیروزی سیاسی نائل شدند و پرده حیل و دسیسه را با سر نیزه دریده و به عالمیان نشان دادند که دشمنان عالم اسلام مایل به صلح نبوده و می‌خواهند برای محو کردن اسلام ترک‌ها را به کلی محو نمایند تا تمام مسلمین جهان را زیر پای اسارت خود بگیرند. وی درباره تأسیس کنسولگری در مشهد گفت این بیرق که شرافت خود را در سایه مجاهدت و شجاعت ترک‌ها به جهان اعلام کرد امروز در پهلوی بیرق برادر عزیز خود ایران در خراسان که از مقدس‌ترین ممالک اسلامی است بلند می‌شود. وی از اخوت اسلامی صحبت کرد و گفت مصداق «انما المومنون اخوه» نیز بزرگ‌ترین دلیل بر این اخوت است و از تصادفات حسنه است که اجداد بزرگ ترک ماه را برای لوای خود انتخاب و اجداد ایرانی‌ها هم خورشید را برای بیرق خود تعیین کردند و این نیز بشارت دیگری برای استحکام و روابط برادری است، زیرا ماه و خورشید همیشه توأم هستند و برای نجات عالم اسلام این دو بیرق بزرگ‌ترین نشانه است. وی به رکن سوم این اتحاد نیز اشاره کرد و گفت ملت ایران و ترک با برادر عزیز خود افغان که علامت بیرق آن مسجدی در زیر قبه معلائی و مسجد مکرم است متحد شده و به مجاهدت پادشاه امیر امان‌الله‌خان بزرگ‌ترین اثر موجودیت عالم اسلام را روی زمین نشان خواهد داد. وی تاکید کرد اطمینان کامل دارم این موجودیت قوی، عالم اسلامی را نجات خواهد داد.

سامی‌بیک در پایان به پرچم و وضع ایران اشاره کرد و شیر ایستاده با صلابت و هیبت مخصوص که خورشید استقلال ایران را به پشت گرفته و شجاعت سپاهیان دلیر تحت امر شاه جوان (احمد

شاه) و سردار سپه (رضاخان) را بزرگ‌ترین علامت پیروزی عالم اسلام و خود را حامل سلام اردوی ترک دانست که با نهایت ادب به آنها رساند و در خاتمه از تمام حاضرین از جمله کفیل ایالت و رئیس لشکر که در مراسم برافراشتن بیرق شرکت کردند، تشکر کرد و سخنان خود را با شعار پاینده باد اتحاد اسلام پایان داد. این سخنرانی که توسط زوارزاده به فارسی ترجمه می‌شد، بسیار طولانی و با کف زدن‌های پیاپی حاضرین همراه شد.^{۳۲}

پس از سامی‌بیک سردار عبدالعزیزخان ژنرال - کنسول دولت افغانستان، در زمینه اتحاد اسلام و استحکام روابط دول اسلامی نطقی را بیان کرد که با فریادهای خوشحالی و کف‌زدن‌های حضار دنبال شد. از زمان تأسیس کنسولگری ترکیه وی مهمترین عنصر خارجی همراه با آنها بود. روابط ترکیه و افغانستان از معاهده ۱۱ حوت ۱۲۹۹^{۳۳} مسکو بین نمایندگان دو دولت، تجدید شد. امضای این معاهده حدود یک سال به تأخیر افتاد تا اینکه فخری پاشا سفیر دولت عثمانی در کابل موادی از آن را تفسیر کرد و سرانجام در ۷ میزان ۱۳۰۱^{۳۴} از طرف امیر امان‌الله امضا شد. از این زمان اتحاد مسلمین به‌ویژه میان ترکیه و افغانستان به اصلی مهم در روابط تبدیل شد. گفته‌های سردار عبدالعزیزخان را نیز روزنامه *فکر آزاد* منتشر کرده است. وی در آن روز، اهتزاز بیرق هلال و ستاره را در کنار بیرق‌های ایران و افغانستان و در جوار روضه مطهر حضرت ثامن الائمه (ع) موجب شادمانی دانست و به تشریح رنگ قرمز پرچم ترکیه پرداخت و آن را نشانه جانبازی‌ها و قربانی‌های ملت ترک دانست. وی ضمن توصیف و تعریف درباره ترکیه و ارتباط دوستانه آن با افغان‌ها، احساسات «دوازده میلیون افغان برای استقلال و این‌گونه ایام شرافتمند» را بازگو کرد و بیان کرد که برای هرگونه «معاونت و مساعدت برادر عزیزمان ملت نجیب ترک صمیمانه حاضر و آماده‌ایم و به مناسبت این ساعت مسعود به برادر خودمان سامی‌بیک باش شه‌بندر که در عین جوانی موهایش را در راه ملت سفید کرده و ویس قونسول تحسین‌بیک و معاون ایشان فریدون‌بیک که این بیرق را برای افزودن قوت قلب و نور بصر ما و شما آورده‌اند و نیز برادران غایب‌مان عموم ملت ترکیه تبریک صمیمانه گفته و میلیون‌ها سلام می‌فرستیم» وی در خاتمه با صدای بلند فریاد زد: «سربلند باد لوای اسلام، پاینده باد اتحاد اسلام، برقرار باد روابط حسنه ترک و ایران و افغان» که با کف زدن‌ها و مسرت عمومی همراه شد. بعد از آن مدیر روزنامه *خراسان* شرحی ایراد کرد و سپس

۳۲. روزنامه *فکر آزاد*، س ۱، ش ۶۶ (پنج شنبه، ۲ رمضان ۱۳۴۱ / ۲۹ حمل ۱۳۰۲)، ص ۱.

۳۳. ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۹ / ۲ مارس ۱۹۲۱

۳۴. ۸ صفر ۱۳۴۱ / ۳۰ سپتامبر ۱۹۲۲

کفیل ایالت خراسان در جواب شهبندری درباره اتحاد و حسن روابط دولت ایران با دول اسلامی سخنانی گفت و مجلس خاتمه یافت. نکته قابل توجه حضور نمایندگان دول دیگر، از جمله «حکیم اف قنصول دولت آزاد روسیه» در این مجلس بود.^{۳۵}

بدایع‌نگار^{۳۶} مدیر مجله الکمال یکی دیگر از طرفداران شهبندری ترکیه در مشهد بود. وی اشعار مختلفی که درباره مصطفی کمال و فتح از میر در مطبوعات تهران مانند «بهارستان»، «صاعقه»، «گل زرد» و «دستور اخوت» چاپ شده بود، در ماه صفر ۱۳۴۱^{۳۷} در نشریه خود آورد و بر اتحاد اسلامی و پیروزی اسلام تاکید داشت. وی نوشت «در ماه رجب و موقع ورود سامی‌بیک شهبندر دولت ترکیه مجله ما بسته بود و در ۲۹ شعبان ۱۳۴۱ موقع نصب بیرق این دولت مجله ما تعطیل بود و نتوانستیم ورود وی را تبریک و جشن تاریخی ملی را که اهتزاز بیرق دولت هم کیش ما است یادداشت کنیم.» بدایع‌نگار مقاله مفصلی در مجله خود درباره وحدت اسلام چاپ کرد. همچنین به مناسبت افتتاح شهبندری ترکیه و نشان دادن احساسات قلبی مردم خراسان در پی آن، قصیده‌ای به زبان عربی سرود تا به گفته وی برادران مسلمان عرب زبان هم از حسن استقبالی به عمل آمده مستحضر شوند.^{۳۸}

عملکرد محمد سامی‌بیک در مشهد

سامی‌بیک قبل از افتتاح شهبندری فعالیت تبلیغی خود را آغاز کرد و برای این منظور به همراه

۳۵. روزنامه فکر آزاد، س ۱، ش ۶۶ (پنج شنبه ۲ جمادی الاولى ۱۳۴۱/۲۹ قوس ۱۳۰۱)، ص ۱؛ همان، شماره ۶۸، سال اول، (پنج شنبه، ۹ رمضان ۱۳۴۱/۶ ثور ۱۳۰۲)، ص ۲.

۳۶. فضل‌الله آل داوود فرزند شیخ مولا داوود خراسانی معروف به ملاباشی یا فاضل صدخروی در سال ۱۲۸۸ ه.ق. در مشهد متولد شد. او از اوان جوانی وارد تشکیلات آستان قدس شد و به لقب بدایع‌نگار مفتخر گشت. مدتی معاون اداره فرهنگ و اوقاف و فوائد عامه خراسان و در سال ۱۳۰۰ رئیس آن اداره شد. در سال ۱۳۳۴ قمری معاون مدرسه رضوی بود. در سال ۱۳۴۲ قمری، مدتی مدیر کتابخانه آستان قدس شد و در سن ۵۵ سالگی و در ۲۲ ذیقعد ۱۳۴۳ (۲۴ خرداد ۱۳۰۴) در گذشت و در دارالضیافه آستان قدس به خاک سپرده شد؛ سیاره مهین‌فر، «بدایع‌نگار»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲ (تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵)، ۴۶۷ - ۴۶۶.

۳۷. مهر ۱۳۰۱/اکتبر ۱۹۲۲

۳۸. روزنامه الکمال، شماره ۸، سال دوم (۲۸ صفر ۱۳۴۱/۲۷ میزان ۱۳۰۱)، ص ۳۷ - ۳۶؛ همان، شماره ۲-۳، سال سوم (۹ ذی قعد ۱۳۴۱/اول اسد ۱۳۰۲)، ص ۲۲ - ۲۱.

بسامی‌عز (سامی‌بک) اسامی علی قال الجبال و کل سام قول لوفد اهلا و سهلا وفدت علی الامام ابن الامام
 وقت علی حی طور ابن موسی سلیل محمد فی خیر الانام زهت طتربتنا خراسان و ابدت عز اما فی نبی التکر الکرام
 تعس دهرنا حنقا علیا فزدا فی البشاشته و ابتسام الایامی مسلمی الدنیا افیقوا ولات و ربکم حین المنام
 افیقوا یا بنی الاسلام طراً فان الخطب جل عن الملام افیقوا طال و قدتکم افیقوا فما هذا التغابی و اتعامی

سرکنسول افغانستان با تعدادی از بازرگانان ایرانی و کسانی که فعالیت میهن‌دوستی نشان می‌دادند، ملاقات کرد.^{۳۹} رابطه با مدیران نشریات یکی از اولین برنامه‌های سامی‌بیک بود. وی پس از ملاقات با محمداسماعیل منیر مازندارنی^{۴۰} مدیر روزنامه مهر منیر، از دفتر روزنامه وی نیز بازدید کرد که این اقدام باعث تحکیم رابطه او با دفتر روزنامه و در نتیجه، انعکاس اخبار عملکرد شهبندری در روزنامه مهر منیر شد. رابطه وی با مطبوعات دیگر مشهد چون «فکر آزاد»، «الکمال» و «سهیل» نیز خوب بود و آنها اخبار مربوط به شهبندری را به خوبی انعکاس داده و از آن حمایت می‌کرده‌اند.

یکی دیگر از برنامه‌های سامی‌بیک دیدار از مدارس بود. او قبل از افتتاح شهبندری عصر دوشنبه ۲۲ شعبان ۱۳۴۱^{۴۱} از مدرسه دولتی احمدیه^{۴۲} بازدید کرد. بعد از آنکه شاگردان آن مدرسه خطاباً تشکرآمیزی تقدیم وی کردند، سامی‌بیک نیز نطق مفصلی برای تشویق شاگردان جهت طلب علم و خدمت به وطن و اسلام بیان کرد و گفت «شما جوانان ایرانی باید تمام نیروی خود را در راه کشورتان صرف کنید و ممکن است به وسیله خودکامگان شکنجه و حتی کشته شوید، ولی نباید ناامید شوید و دست از هدف‌تان بردارید.»^{۴۳} سپس شاگردان بطور عمومی سرود ملی ایران را ترنم کردند^{۴۴} و فریاد زنده «زنده باد ترکیه، زنده باد سرکنسول ترکیه، زنده باد اتحاد اسلام و زنده باد مصطفی کمال پاشا»^{۴۵}.

کنسولگری انگلیس در مشهد در اوایل اردیبهشت ۱۳۰۲ (رمضان ۱۳۴۱) گزارش داد سرکنسول ترکیه به‌طور مرتب از مدارس بازدید می‌کند و سخنان او در این مدارس شبیه حرف‌هایی است

۳۹. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۰.

۴۰. محمداسماعیل منیر مازندرانی قسمت عمده زندگی‌اش را در ترکستان سپری کرد و سال‌های کهنوت را در مشهد گذراند. وی با نوشتن مقالات تاریخی و ترجمه آثار خارجی و چاپ آنها در جراید آن زمان خراسان به چهره‌ای مطبوعاتی و فرهنگی تبدیل شد و در سال ۱۳۱۳ش درگذشت. ستار شهوازی، ص ۱۱۲.

۴۱. ۱۹ فروردین ۱۳۰۲ / ۹ آوریل ۱۹۲۳

۴۲. این مدرسه در سال ۱۲۹۵ش تأسیس و در سال ۱۳۰۰ش به اداره بلدیة واگذار شد. محمدتقی مدرس رضوی و دیگران، مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به مکتب شاهپوری، به تصحیح مهدی سیدی (مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۶)، ص ۱۵۷.

۴۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۳.

۴۴. روزنامه فکر آزاد، ص ۱، ش ۶۵ (پنج شنبه، ۲۵ شعبان ۱۳۴۱ / ۲۲ حمل ۱۳۰۲)، ص ۲.

۴۵. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۳.

که در مدرسهٔ احمدیه گفته است.^{۴۶} سامی‌بیک در آن هنگام به مدرسه سادات رضوی^{۴۷} رفت و از شاگردان امتحان گرفت و نسبت به کارکنان آن مدرسه اظهار لطف کرد.^{۴۸} در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۲^{۴۹} نیز برای تشویق معلمان و شاگردان مدرسه دولتی احمدی از آن بازدید کرد^{۵۰} و در مراسم جشن عمومی مدارس مشهد در مدرسهٔ احمدی در روز ۳۱ تیر ۱۳۰۲^{۵۱} که تقریباً چهارصد تا پانصد نفر مدعو از طبقات مختلف و نیز والی خراسان، سردار عبدالعزیزخان ژنرال - کنسول افغانستان، و معاون کنسولگری انگلیس حضور داشتند، شرکت کرد. در این جشن بعد از سخنرانی رئیس معارف، سامی‌بیک نطق مهیجی به ترکی دربارهٔ تشویق به تحصیل و اینکه در زمان حال ترقی بشر منوط و مربوط به اسلحه علم و ادب است ارائه داد و حوادث بین‌النهرین و کوچ دادن حجج الاسلام و مراجع تقلید با وضعیتی بد به ایران و حجاز را یادآور شد که توسط زوارزاده به فارسی ترجمه شد.^{۵۲}

یکی دیگر از اقدامات سامی‌بیک تلاش برای برپایی نماز جمعه بود. وی به همراه سردار عبدالعزیز خان ژنرال - کنسول افغانستان در مشهد از حجه الاسلام قمی تقاضا کرد یا به اقامه نماز جمعه، از اهم فرایض اسلامی بپردازد تا به وی اقتدا کنند یا اجازه دهد که تمام رعایای افغانستان و عثمانی خود در روز جمعه این فریضه را در مسجد جامع ادا کنند. روزنامه مهر منیر از شنیدن این خبر اظهار خوشحالی کرد که با توصیه و جدیت این دو نماینده اسلامی یک فریضه که اساس عظمت اسلام را تشکیل می‌دهد و از بی‌همتی مردم از میان رفته مجدداً در این ارض اقدس اجرا خواهد شد.^{۵۳} برگزاری نماز جمعه زمینه‌ای را برای تبلیغ اتحاد و همبستگی اسلامی فراهم می‌آورد. شیخ عنایت‌الله تهرانی در اواسط اردیبهشت ۱۳۰۲ در حرم مطهر امام رضا (ع) دربارهٔ اتحاد اسلام

۴۶. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۷.

۴۷. مکتب‌خانه اطفال ایام سادات وابسته به آستان قدس بود که از سال ۱۳۲۷ قمری توسط میرزا شفیق‌خان صدرالممالک، متولی آستان قدس به شکل مدرسه چهار کلاسه به باغ آصف الدوله منتقل و به صدریه و سپس رضویه تغییر نام داد و در سال ۱۳۴۱ با نام مدرسه سادات رضویه در عمارت جنب باغ آصف الدوله مستقر بود. فاطمه جهان‌پور، تاریخچه مکتب‌خانه‌ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی با تکیه بر اسناد (صفویه تا قاجاریه) (مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷)، ص ۵۳.

۴۸. روزنامه فکر آزاد، سال ۱، ش ۶۸ (پنج‌شنبه، ۹ رمضان ۱۳۴۱ / ۷ ثور ۱۳۰۲)، ص ۲.

۴۹. ۲۲ رمضان ۱۳۴۱ / ۹ مه ۱۹۲۳

۵۰. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۱، (پنج‌شنبه، ۹ رمضان ۱۳۴۱ / ۷ ثور ۱۳۰۲)، ص ۴.

۵۱. ۸ ذی‌حجه ۱۳۴۱ / ۲۳ ژوئیه ۱۹۲۳

۵۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۵۰۳ و ۵۰۵؛ روزنامه مهر منیر، سال ۳، ش ۱۲،

۵۳. روزنامه مهر منیر، سال ۳، ش ۳ (پنجشنبه، ۱۶ رمضان ۱۳۴۱ / ۱۴ ثور ۱۳۰۲)، ص ۳.

موعظه و اعلام کرد سرکنسول‌های ترکیه و افغانستان هر جمعه در حرم حضور یافته و پس از نماز جمعه درباره اتحاد اسلامی سخنرانی خواهند کرد.^{۵۴}

شرکت سامی بیک در نماز عید فطر مشهد یکی دیگر از اقدامات وی بود که با همراهی سردار عبدالعزیز خان صورت گرفت. مهر منیر این دو را «کمال تدبیر و دانا به نکات و رموز کارگزاری و توانا در جمع بین مسلمانان» معرفی کرده است که از نتایج حسنه و اقدامات آنها رفته رفته خبث‌های بی جا بین مسلمانان و سایر برادران اسلامی اعم از اهالی افغانستان، هندوستان و ترکستان به یگانگی و یک‌جهتی مبدل شد. مهر منیر در ادامه آورد آنها در استحکام اتحاد اساسی مسلمانان موفق شدند که ثمره آن در روز عید سعید فطر آشکار شد که با معاون‌ها، کلیه اعضای شهبندری و ژنرال - کنسولگری و جمع کثیری از مسلمانان افغانی، هندوستانی و دیگر برادران ایمانی پیرو مذهب سنت و جماعت، در ادای فریضه عید سعید به حجه الاسلام حاجی مرتضی آشتیانی اقتدا و با برادران شیعی خود متفقاً نماز عید را در مسجد جامع گوهرشاد برپا کردند. بعد از ادای نماز حجه الاسلام آشتیانی به منبر رفت و پس از قرائت خطبه عید سخنانی درباره سلوک و طریق اتحاد و پیروی از روش مسلمانان صدر اسلام بیان کرد. مهر منیر این مسأله را از فواید ورود نمایندگان دو دولت هم‌دین و هم‌کیش در ارض اقدس دانست و اظهار امیدواری کرد به مرور از وجود این فرستادگان دانشمند و نمایندگان غیرتمند منافع و فواید بیشتری نصیب مسلمانان شود.^{۵۵}

تکریم و بزرگداشت علما نمونه‌ای دیگر از فعالیت‌های سامی بیک در حفظ شعایر اسلامی بود. با مرگ حاجی سیدعباس شاهرودی از علمای طراز اول مشهد در عصر جمعه ۷ شوال ۱۳۴۱^{۵۶} مجلس ختم باشکوهی برای عزاداری از سوی سامی بیک در مسجد ترک‌ها برگزار شد و عموم روحانیون و روسای ادارات به خصوص آیت‌الله نورالله مجتهد اصفهانی در آن حاضر شدند.^{۵۷} بدایع نگار نیز در مجله خود از اینکه نماینده دولت عثمانی در تشکیل مجلس قبول زحمت کرده و با تلاوت قرآن مجید روان آن سید را شاد کردند، تشکر کرد.^{۵۸}

اقدامات سامی بیک در مشهد باعث شد تا نگاه مثبتی نسبت به سرنوشت ترکیه به وجود آید. بدایع نگار به زیارت‌نامه و دعای مجالس روضه محرم ۱۳۴۲ اشاره و در مجله *الکمال* آورده که

۵۴. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۷۸.

۵۵. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۵ (پنج‌شنبه، ۷ شوال ۱۳۴۱ / ۳ جوزا ۱۳۰۲)، ص ۲ و ۳.

۵۶. ۲۴ خرداد ۱۳۰۲ / ۲۴ مه ۱۹۲۳

۵۷. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۶ (چهارشنبه، ۲۰ شوال ۱۳۴۱ / ۱۶ جوزا ۱۳۰۲) ص ۱.

۵۸. روزنامه *الکمال*، س ۳، ش ۳-۲ (۹ ذی‌قعدة ۱۳۴۱ / اول اسد ۱۳۰۲)، ص ۴۱.

به دعای برای عثمانی مربوط بوده است: «درود بر شما ای انصار (سلطان محمد) فاتح که با تفنگ‌های فتیله‌دار از داردائل عبور کردید و در ایاصوفی تکبیر گفتید. درود بر شما ای انصار غازی الغزاه اعلیحضرت مصطفی کمال پاشا که در زیر آتش توپ و خمپاره سوختید و ساختید تا دوباره تکبیر را در از میر بلند کنید.»^{۵۹}

شرکت در مراسم روضه‌خوانی یکی دیگر از اقدامات اعضای شهبندری ترکیه بود. طبق گزارش انگلیسی‌ها تحسین‌بیگ معاون سرکنسول ترکیه در چندین مجلس روضه‌خوانی شرکت و از شقاوت و ستمگری انگلیسی‌ها در طول جنگ نسبت به مسلمانان سخن گفت و آنان را دشمن حقیقی اسلام نامید و در واکنش به اخراج علمای شیعه از عراق، از ایرانیان خواست فقط به بستن دکان‌ها قناعت نکنند. سامی‌بیگ نیز در روضه‌خوانی حاج شیخ حسن خالصی حضور داشت. طبق گزارش انگلیسی‌ها وی مبلغ ۳۰۰ تومان برای مراسم‌های گوناگون روضه‌خوانی پرداخت کرده بود. سامی‌بیگ رابطه خوبی با امیر لشکر شرق برقرار کرد و ضمن تمجید از مانور نیروهای نظامی در ۲۰ مرداد ۱۳۰۲ شمسی به عنوان هدیه ارتش ترکیه تقدیم وی کرد تا به بهترین افسر جوانی که در رژه شرکت داشته، بدهد و نامه‌ای تعارف آمیز به وی نوشت که در روزنامه سهیل چاپ شد. امیر لشکر نیز در جواب از سرکنسولگری ترکیه طی نامه‌ای تشکر کرد.^{۶۱}

همسویی با کنسولگری افغانستان و روسیه از ویژگی‌های فعالیت سامی‌بیگ بود. روسیه شوروی در کشمکش نیروهای ملی ترک با انگلیس به آنان کمک میکرد، زیرا دشمنی مشترک یعنی انگلستان در برابر هر دو قرار داشت.^{۶۲} این همکاری روسیه با ترک‌ها در مشهد نیز ادامه یافت. حکیموف سرکنسول روسیه در جشن افتتاح شهبندری ترکیه حضور داشت. سامی‌بیگ نیز در مراسم بزرگداشت ترور واتسلاو واتسلاویچ واروفسکی نماینده روسیه در کنفرانس لوزان همراه سرکنسول افغانستان و حدود ۳۰۰ نفر روس، قفقازی و ترک و ایرانی شرکت کرد. رابطه سامی‌بیگ به‌ویژه با حکیموف سرکنسولگری روسیه خوب بود و همراه وی در زمان ورود سردار اسعد والی جدید خراسان، به پیشوازش رفت.^{۶۳} و سپس در مراسم سالگرد انقلاب روسیه در ۷ نوامبر ۱۹۲۳^{۶۴}

۵۹. روزنامه الکمال، س ۳، ش ۴ (اول صفر ۱۳۴۲/۲۱ اسد ۱۳۰۲)، ص ۳۶.

۶۰. ۲۸ ذی‌حجه ۱۳۴۱/۱۲ اوت ۱۹۲۳

۶۱. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۵۱۰ و ۵۱۱.

۶۲. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ص ۷۰.

۶۳. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۴۸۶ - ۴۸۰.

۶۴. ۱۵ آبان ۱۳۰۲/۲۷ ربیع الاول ۱۳۴۲

شرکت کرد. در زمان ورود آپرسف سرکنسول روسیه و جانشین حکیموف نیز چون سامی‌بیک در شهر حضور نداشت معاون وی جزو گروه استقبال‌کنندگان بود که در روستای بحرآباد آپرسف را ملاقات کردند. در مقابل رابطه شهرداری ترکیه با کنسولگری انگلیس بد بود و از هر فرصتی برای تبلیغ علیه آنها استفاده می‌کرد. در مراسم پیشواز سردار اسعد والی خراسان، سامی‌بیک از اینکه ابتدا نماینده کنسول انگلیس به حضور والی پذیرفته شده بود، شکایت داشت. همچنین در اول تابستان ۱۳۰۲ که اخراج علمای شیعه از عراق توسط انگلیسی‌ها صورت گرفت، سامی‌بیک از این مسئله برای تبلیغ بر ضد انگلیسی‌ها استفاده کرد. او در مراسم اعطای جوایز در مدرسه احمدیه به اشغال بین‌النهرین توسط انگلیسی‌ها و سیاست ضد اسلامی آنها حمله کرد و در پایان یادآور شد اتحاد کشورهای اسلامی تنها راه مبارزه با توطئه‌های دشمن است. یک هفته بعد روزنامه بهار تلگراف دریافتی سرکنسول ترکیه از سفارت خود در تهران را به چاپ رساند که به امضای معاهده صلح میان ترکیه و متنفقین اشاره داشت. کنسولگری انگلیس در مشهد گزارش داد سامی‌بیک به زوار زاده گفته است که دیگر نمی‌خواهد سخنرانی او در مراسم اعطای جوایز مدرسه احمدیه در روزنامه‌ها به چاپ برسد. ولی وی باز هم فعالیت علیه انگلیس را ادامه داد و در تحصن عمومی و بستن بازار به نشانه هم‌دردی با علما نقش ایفا کرد. به اعتقاد کنسولگری انگلیس کسانی که در تحصن مسجد گوهرشاد شرکت می‌کردند از سوی سرکنسول ترکیه تغذیه می‌شدند.^{۶۵}

پذیرایی از اتباع ترک یکی دیگر از اقدامات شهرداری بود. شهرداری به برخی از ترک‌ها که در راستای برنامه‌های پان‌ترکی در آسیای مرکزی در حال جنگ علیه بلشویک‌ها بودند، کمک می‌کرد و شاید بتوان این اقدام را یکی از علل تأسیس شهرداری در مشهد دانست، زیرا مشهد در شمال شرق ایران نزدیک به آسیای مرکزی بود. روزنامه مهر منیر در ۲۸ شهریور ۱۳۰۲ نوشت یک دسته از ترک‌های انوری که در ترکستان با انور پاشا بر ضد بلشویک‌ها قیام کرده بودند بعد از شهادت او از طریق افغانستان وارد مشهد شدند و شهرداری از آنان پذیرائی و نگهداری کرد.^{۶۶}

سامی‌بیک در دوران ماموریت خود مشکلاتی نیز داشت که به‌طور سطحی در رابطه ایران و ترکیه پیش می‌آمد و توسط مطبوعات از وی پرسیده می‌شد. مدیر روزنامه مهر منیر در ۲۴ محرم ۱۳۴۲ با عنوان استیضاح دوستانه به نقل از روزنامه *ایران* در شماره ۱۴۳۱، اخباری از تعدی ماموران دولت ترکیه در اسلامبول در حق رعایا و تجار ایرانی و مجبور کردن آنها به ترک تابعیت و قبول

۶۵. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۵۰۶ - ۵۰۳.

۶۶. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۱۸ (پنج شنبه، ۸ صفر ۱۳۴۲/۲۸ سنبله ۱۳۰۲)، ص ۲.

تابعیت عثمانی و مطلب روشن‌بیک در روزنامه ترک یردی علیه ایرانی‌ها نوشت. در ادامه از وی خواست در مقابل آن همه صمیمیت و دوستی‌هایی که در حق او محض مسلمان و ترک بودن در تهران شده توضیح دهد که علت اینگونه حرکات مأمورین ترکیه با این همه ادعاهای وفاق و اتحاد چیست و اگر خلاف است برای رفع سوء تفاهم آن را تکذیب کند تا از اثرات سوء انتشار آن خبر جلوگیری شود.^{۶۷}

سامی بیک برای توضیح و رفع سوء تفاهم، عموم مدیران جراید خراسان را به مجلس ضیافت شامی در «شهیندر خانه دولت مجلس کبیر ترکیه» دعوت کرد و پس از صرف شام و مذاکره در این خصوص به آنها اطمینان داد که مساله مجبور کردن ایرانی‌ها به قبول تابعیت عثمانی تنها یک مغالطه است: «حکومت ترک فقط گفته چون کاپیتولاسیون را باطل کرده‌ایم باید تابع قانون ما باشید، زیرا ما سه میلیون ترک را فدا کرده‌ایم تا این شرف را حاصل کرده‌ایم.» در مورد روشن‌بیک نیز گفته شد چون دارای هیچ مقام رسمی نیست نوشته‌های او غرض شخصی محسوب می‌شود و قابل اعتنا نیست و او نمی‌تواند مترجم افکار ترک‌ها باشد و جراید ترک به نوشته‌های او هیچ اهمیتی نداده است.^{۶۸} دو هفته بعد روزنامه مهر منیر نوشت روشن‌بیک تبعید و روزنامه او توقیف شده و در تهران نیز سفیر کبیر عثمانی رسماً از وزارت خارجه معذرت خواسته است.^{۶۹}

تفاوت مذهبی یکی دیگر از مشکلات شهینداری ترکیه در مشهد بود. اگرچه تلاش می‌شد اختلاف مذهبی نادیده گرفته شود، ولی سامی بیک یک بار به‌خاطر بیان کلمات زشت در مورد عمر خلیفه دوم توسط عبدالحسین مشیر روضه خوان، در روضه خوانی منزل حاج شیخ حسن خالصی مجلس را با ناراحتی ترک کرد.^{۷۰}

قدرت گرفتن مهاجران قفقازی مقیم مشهد، یکی دیگر از نتایج استقرار شهینداری ترکیه بود. اسدآقا زوارزاده قفقازی نیز دست راست سرکنسول ترکیه و مترجم او بود. یکی از هواران اصلی شهیندر ترکیه نیز غلام مهدی‌اف دواساز بود که خود را دست راست سامی بیک معرفی می‌کرد و در تمام دیدارها کنار او می‌ایستاد و نقش مترجم وی را ایفا می‌کرد.^{۷۱} حتی در اواخر آذر ۱۳۰۲ که مشهد را ترک کرد، کنسولگری انگلیس گزارش داد او حامل نامه‌هایی از طرف سرکنسولگری

۶۷. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۱۶ (پنج شنبه، ۲۴ محرم ۱۳۴۲/۴ سنبله ۱۳۰۲)، ص ۲.

۶۸. همان، س ۳، ش ۱۷ (چهارشنبه، ۳۰ محرم ۱۳۴۲/۱۰ سنبله ۱۳۰۲)، ص ۲.

۶۹. همان، س ۳، ش ۱۹ (پنج شنبه، ۱۵ صفر ۱۳۴۲/۴ میزان ۱۳۰۲)، ص ۲.

۷۰. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۵۱۰ و ۵۱۱.

۷۱. همان، ص ۴۷۰ و ۴۷۹.

ترکیه برای افغانستان است.^{۷۲}

یکی دیگر از تأثیرات استقرار شهبندری ترکیه قوت گرفتن هوادارن ترکیه در مشهد بود. یکی از این هواداران رئیس‌التجار بود که تلگرافی برای کمال پاشا مخابره کرد و به ارتش تحت فرمان او به خاطر پیروزی‌های نظامی و برقراری صلح تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد که مقدمه‌ای برای آزادی و آینده جهان اسلام باشد. از سوی دیگر شهبندری نیز پناه‌گاه مهمی برای هواداران ترکیه بود. شمس‌المعالی^{۷۳} سردبیر روزنامه چمن^{۷۴} که نسبت به دخالت ارتش در انتخابات مجلس اعتراض کرده بود، در اواخر مهر ۱۳۰۲ از ترس دستگیری توسط امیر لشکر در شهبندری ترکیه متحصن شد و پس از رفع خطر و بعد از یک هفته شهبندری را ترک کرد.

بازگشت سامی‌بیک از مشهد

طبق گزارش نظمیه مشهد در ۳ آذر ۱۳۰۲، ترک‌ها از روز ورود به‌خاطر وحدت مذهبی با اهالی در کمال مهربانی رفتار کردند و در محافل و مجالس مختلف حاضر شدند. آنها با علما مراوداتی داشتند و مایل بودند اهالی را به طرف خود جلب کنند و تا اندازه‌ای هم بعضی را به سوی خود جلب کردند. ایشان مخصوصاً با عده‌ای از ترک‌های آذربایجانی که تعدادشان در مشهد تقریباً دو هزار نفر بود، روابطی نزدیک داشتند. این گزارش وجود ترک‌ها را بدون ضرر تشخیص داده است.^{۷۵} سامی‌بیک نخستین شهبندر مجلس بزرگ ملی ترک در مشهد بود که دوره مأموریتش یازده ماه طول کشید. دوره مأموریت وی منجر به نتایج قابل توجهی در اتحاد افغانستان و ایران با ترکیه شد. تبلیغ علیه انگلیس دشمن مشترک ایران، ترکیه و افغانستان از برنامه‌های اصلی سامی‌بیک بود که پس از انعقاد قرارداد ترکیه با انگلیس کمی کاهش یافت و ضرورت اولیه مأموریت وی کمتر شد. اولین دوره فعالیت شهبندری ترکیه خاطره خوبی در ذهن مسلمانان مشهد برجای گذاشت. موفقیت سامی‌بیک را باید براساس مجالس تودیع وی در هنگام مراجعت مورد ارزیابی قرار داد که

۷۲. فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس، ص ۵۲۶.

۷۳. شمس‌المعالی دادستان و از اعضاء اولیه حزب دموکرات خراسان بود. شهوازی، ص ۶۷-۶۶.

۷۴. چمن روزنامه‌ای سیاسی، اجتماعی و خبری بود که دو و یا سه بار در هفته منتشر می‌شد. صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن شمس‌المعالی دادستان و سردبیر آن شیخ احمد تهرانی (بهار) بود که از سال ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰ ش در سه دوره منتشر شد. از سال ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۶ ش علی‌اصغر رحیم‌زاده صفوی سردبیر آن بود. این روزنامه پس از مدتی طولانی تعطیلی بار دیگر از سال ۱۳۱۰ منتشر شد.

چمن در مجموع ۱۹ سال منتشر شد. همان، ص ۶۶-۶۵.

۷۵. سازمان اسناد ملی، سند شماره ۲۹۳۰۰۶۲۷۱/۱.

توسط مدیران جراید، هیأت سادات رضوی و عموم مردم برگزار شد و علاقه‌مندی مردم مشهد به حضور سیاسی ترکیه را نشان داد.

مدیر روزنامه مهر منیر که به‌نام مدیران جراید خراسان و به احترام سامی‌بیک شهیندر ترکیه، ژنرال - کنسول افغانستان، اعیان و محترمین خراسان و معلمین مدارس را در روز پنج‌شنبه اول رجب در اداره روزنامه چمن گرد آورده بود، نطق‌هایی از جانب مدیران جراید و شهیندر درباره احساسات دوستانه و صمیمانه اسلامی ارائه کرد.^{۷۶} هیأت سادات رضوی نیز به ریاست میرزا عزیزالله مشرف^{۷۷} به‌منظور تودیع شهیندر دولت اسلامی ترکیه مجلس مجللی در روز جمعه دوم رجب ۱۳۴۲/۱۸ بهمن ۱۳۰۲/۸ فوریه ۱۹۲۴ در مدرسه مبارکه سادات رضوی با حضور عده کثیری از بزرگان، اشراف مشهد برگزار کرد.^{۷۸}

مجلس تودیع بزرگی نیز روز شنبه سوم رجب ۱۳۴۲ در خارج شهر مشهد در سرای تاج‌باشی برگزار شد. اغلب اعیان و اشراف، معلمین مدارس و مدیران جراید هر کدام به طرزی خاص نسبت به وی اظهار صمیمیت کردند. از آن میان ابراهیم بزرگ‌زاده سخنان مبسوطی ایراد کرد و نسبت به رفتن ناگهانی او از مشهد، ابراز ناراحتی کرد و افکار او را ستود. روزنامه مهر منیر نیز ضمن ارائه گزارشی مفصل از مراسم تودیع نوشت سامی‌بیک شهیندر در این مدت قلیل اقامت خود در ارض اقدس اثرات و یادگارهای جمیلی بر قلوب عموم اهالی خراسان به ویژه اهالی مشهد مقدس گذاشت. سامی‌بیک تقدیر و تشکر خود از مردم مشهد را در مجالس تودیع هم‌چون موقع ورود از طریق چاپ اطلاعیه چنین ابراز کرد:

چون از طرف دولت متبوع خودم امر فوری بر تعجیل حرکت رسیده لهذا نتوانستم مراسم تودیع حضوری خود را کاملاً نسبت به ذوات معظمی که در ایام توقّفم در مشهد مقدس بنده را رهین الطاف برادرانه خود ساخته بود به عمل بیاورم اینک به‌وسیله این مختصر مراتب تشکرات خودم را از بروز احساساتی که نسبت به بنده فرمودند تقدیم نموده از عموم برادران دینی خود خداحافظی می‌نمایم. باش شهیندر دولت جمهوری ترک محمد سامی.^{۷۹}

در ماه رجب ۱۳۴۲ سامی‌بیک به همراه خانواده و تحسین‌بیک معاون خود از ظهر مشهد خارج

۷۶. نطق این مجلس در فوق‌العاده‌ای مخصوص در روزنامه منتشر شد. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۳۵ (۴ رجب ۱۳۴۲)، ص ۲.
 ۷۷. میرزا عزیزالله کفائی رضوی فرزند دوم محمدتقی مشرف متولد حدود ۱۲۴۹ش و متوفی ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ش در مشهد بود. غلامرضا جلالی، مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ج ۳ (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷)، ص ۱۱۰.
 ۷۸. روزنامه مهر منیر، س ۳، ش ۲۵ (چهارشنبه، ۷ رجب ۱۳۴۲/۲۴ دلو ۱۳۰۲)، ص ۲.
 ۷۹. همان، ص ۴.

شد و کاتب شهرداری فریدون بیگ را باقی گذاشت که منتظر اوامر دولت خود باشد و در عمل شهرداری مشهد منحل شد.^{۸۰} یکی از علل عدم تداوم فعالیت شهرداری ترکیه در مشهد را باید تعداد بسیار کم اتباع ترکیه در مشهد دانست. حتی یک دهه بعد که اسماعیل حقی بیگ^{۸۱} تلاش کرد مجدداً کنسولگری ترکیه را در مشهد دایر کند^{۸۲} از نظر وزارت خارجه ایران قابل توجه نبود، زیرا ترکیه اتباع قابل توجهی در مشهد نداشتند و تنها به خاطر مسائل سیاسی به این کار دست می‌زدند و در سال ۱۳۱۳ش که آمار دقیقی از اتباع خارجی مقیم مشهد تهیه شد تنها ۳۳ نفر تابع ترکیه در مشهد زندگی می‌کرد.^{۸۳}

نتیجه گیری

همچنانکه در این مقاله اشاره شد، سامی بیگ، شهیندر ترکیه در مشهد از یکسو با سیاست مدبرانه و خردمندانه خود موفق شد طی ۱۱ ماه حضورش در مشهد، با اغلب روشنفکران، علما، بزرگان و کارگزاران مشهد و کارگزاران خارجی حاضر در مشهد رابطهای حسنه برقرار کند. همچنین، از این طریق موفق شد به تشویق و حمایت مخالفان انگلستان در مشهد بپردازد، تا حدی که شاید بتوان گفت یکی از سیاستهای اصلی تأسیس شهرداری ترکیه در مشهد رقابت سیاسی با دول بزرگ به ویژه انگلستان بود. دولتی که دشمن مشترک ایران، ترکیه و افغانستان به شمار می‌آمد و ترکها به خوبی به این مسأله واقف بودند. به همین دلیل با احیای موضوع اتحاد اسلام که پیشینه آن به اواسط دوره قاجار بازمیگشت، در پی مقابله با سیاستهای انگلیس برآمدند. از سوی دیگر تأسیس شهرداری ترکیه در مشهد و اقدامات بی نظیر سامی بیگ از جمله ارتباط نزدیک و گسترده وی با روشنفکران و روزنامه نگاران و علمای مشهد، چهره مثبتی از دولت جدید ترکیه نزد ایرانیان ترسیم کرد و تا حد زیادی زمینهای روابط دو دولت در دوره رضا شاه را فراهم نمود.

۸۰. محمدتقی مدرس رضوی، سال شمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم، به کوشش ایرج افشار (مشهد: آستان

قدس رضوی، ۱۳۶۷)، ص ۲۳۸.

۸۱. پرفسور ابراهیم حقی بیگ از نویسندگان و سیاح فعال ترک در ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۳۲ وارد مشهد شد. سیاحت وی از اسکودار به آناتولی، قفقاز، آذربایجان، تهران، مشهد بود. وی هنگامی که قصد عزیمت به کرمان داشت اداره روزنامه نوبهار مقدمش را گرامی داشت. روزنامه نوبهار، س ۱، ش ۲۰، (۲ ربیع الثانی ۱۳۳۲)، ص ۴.

۸۲. اسنادی از روابط ایران و ترکیه (۱۳۲۰-۱۳۰۴)، به کوشش خدیجه صالح میرزائی (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲) ص ۳۳.

۸۳. محمدتقی مدرس رضوی و دیگران، ص ۸۲.

کتابنامه

- اسنادی از روابط ایران و ترکیه (۱۳۲۰-۱۳۰۴). به کوشش خدیجه صالح میرزائی. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.
- الهی، حسین. «اسنادی مربوط به اوضاع خراسان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، س ۲۷. ش ۱. بهار ۱۳۷۳.
- الیس، سی.اچ. دخالت نظامی بریتانیا در شمال خراسان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۲.
- بهبودی، هدایت‌الله. روز شمار تاریخ معاصر ایران. ج ۳. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۹.
- جلالی، غلامرضا، مشاهیر مدفون در حرم رضوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷.
- جهان‌پور، فاطمه. تاریخچه مکتب خانه‌ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی با تکیه بر اسناد (صفویه تا قاجاریه). مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷.
- روزنامه فکر آزاد، شماره‌های ۴۴، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۶ و ۶۸ سال اول، ۱۳۴۱/۱۳۰۱ و ۱۳۰۲.
- روزنامه مهر منیر، شماره‌های ۱، ۳، ۵، ۶، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ سال سوم، ۱۳۴۲/۱۳۰۲.
- روزنامه ایران. ش ۱۳۵۳.
- روزنامه بهار. س ۲. شماره ۵۸، ۱۲۹۸/۱۳۳۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. سند شماره ۲۹۳۰۰۶۲۷۱/۱.
- شهبوازی، ستار. نامه‌ها و نامه‌ها روایتی از روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران خراسان در دوران قاجاریه. مشهد: ابرار، ۱۳۸۲.
- فروپاشی قاجار و برآمدن پهلوی: گزارش کنسولگری‌های انگلیس. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۷.
- قطبی، بهروز. اسناد جنگ اول جهانی در ایران. تهران: قرن، ۱۳۷۰.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی: دوره قاجاریه. ج ۱. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹.
- مجله الکمال، شماره ۸، سال دوم، شماره ۲-۳ و ۴، سال سوم، ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲.
- مدرس رضوی، محمدتقی. سال‌شمار وقایع مشهد در قرن‌های پنجم تا سیزدهم. به کوشش ایرج افشار. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.
- مدرس رضوی، محمدتقی و دیگران. مشهد در آغاز قرن چهاردهم خورشیدی مشهور به مکتب شاهپوری. به تصحیح مهدی سیدی. مشهد: آهنگ قلم، ۱۳۸۶.
- مهین‌فر، سیاره «بدایع‌نگار»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۲. تهران: بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵. ص ۴۶۷-۴۶۶.
- نجف‌زاده، علی. اقوام، طوایف و مهاجرین ساکن مشهد. مشهد: شهرداری مشهد، ۱۳۸۹.
- وین، آنتونی. ایران در بازی بزرگ. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: پیکان، ۱۳۸۳.
- یکتایی، مجید. تاریخ گمرک ایران. تهران: دانش، ۱۳۵۴.